



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

# صنایع زنجیره‌ای روستا و مناطق عشایری

پیش درآمدی بر صنایع  
 روستائی - قسمت چهارم

می‌باشد.



مورد بهره‌گیری قرار داشته است، لذا تکیه بر شکل سنتی این بخشها با استفاده از شیوه‌های بهداشتی نیز به احیای آن در کوتاهترین زمان ممکن بسیار مقرون به صرفه

\* آنچیزی که در بخشهای مختلف صنایع زنجیره‌ای نیاز به عنایت خاصی دارد این است که، این بخشهای اقتصادی هر کدام به یک نوع با کیفیتهای خاصی در گذشته

آنچه تاکنون بر آن اشاره شد درباب این بود که، بدنبال تسبیب جایگاه و منزلت پدیده‌های همچون صنعت در مناطق روستائی کشور باشیم که دراین مسیر ضمن مشخص نمودن رابطه و سنخیت بارز نوع صنایع دستی و روستائی و موقعیت جغرافیائی دار کشور، براین نظر تاکید شد که صرفاً بخش کشاورزی و دامداری به تنهایی نمی‌تواند تکیه‌گاه اقتصادی روستاها و مناطق عشایری ما در درازمدت باشد زیرا که دراین دو بخش با صرف نیرو و کار فراوان نرخ سود بسیار کمتر از بخش صنایع می‌باشد و لازم است از هم‌اکنون به فکر تقویت و تأسیس صنایعی متناسب با اقتصاد کشور و روستاها و مناطق عشایری باشیم تا ضمن اینکه دراین روند بنیه اقتصادی روستائی و عشایر تقویت می‌شود گام مهمی در رفع محرومیت خواهد بود درعین حال مبانی اساسی استقلال و خودکفائی را در سطح وسیعی در کشور توسعه داده و از مهاجرتهای بی‌رویه و تمرکز و تراکم در شهرهای مصرفی جلوگیری شود، براین اساس با تمسک به واقعیت موجود صنایع دستی در روستا و مناطق عشایری براین امر پافشاری شد که بمنظور تحقق اهداف فوق، منطقی‌تر بنظر می‌رسد که یک تکیه‌گاه اصلی و نقطه شروع قوی برای صنایع در روستاها بیابیم تا از خصوصیات وجود مواد اولیه و بازار فروش و آموزشهای سریع و بعضاً عدم نیاز به آموزش، برخوردار باشد و نزدیکترین نوع صنعت را در قالب صنایع دستی خانگی و روستائی تعریف نموده و طرحی را برای تقویت آن پیشنهاد نمودیم، اما همانگونه که در آنجا اشاره شده باتوجه به واقعیات موجود بدنبال صنایع دیگر در روستا برویم لذا دراین رابطه قضیه قدری پیچیده‌تر و درعین حال حساستر خواهد شد، کشور ما قادر است ضمن ایجاد و گسترش صنایع زنجیره‌ای روستا و مناطق عشایری بدنبال ایجاد صنایع معادن در روستاها و به تبع آن صنایع سنگین و ابزارسازی و صنایع مادر و صنایع پتروشیمی متمرکز برود که در توضیح موارد فوق مطالبی را در آتی بررسی خواهیم نمود، اما آنچه‌ای که دراین کوتاه زمان، بدنبال آن هستیم تعریف و ارائه طریقی مشخص برای تعیین جایگاه صنایع زنجیره‌ای روستا و مناطق عشایری می‌باشد.

در ابتدا یکبار دیگر به اهمیت ایجاد اینگونه صنایع در ارتباط با استقلال و خودکفائی و تأمین مایحتاج عمومی خصوصاً در بخش کشاورزی لازم است اشاره‌ای بنمائیم که همانگونه که استخبار جهانی براین تضرار داشت تا شهرهای ما را از محور تولید در اقتصادشان به مصرف زدگی سوق دهد روی این موضوع نیز پافشاری می‌کرد تا محور اقتصادی روستا را از تولید و خودکفائی در

روستا به سمت مصرف بکشاند و هرچند در تزیید جاذبه شهرها موفق بود و دراین رابطه بسیاری از روستائیان ما را به شهرها کشاند اما در اجرای دگرترین روستای بدون تولید موفق نگشت زیرا فرهنگ حاکم بر روستاها و مناطق عشایری ما از یک بنیه قوی مذهبی برخوردار بود و همچون سدی نفوذ ناپذیر در مقابل هجوم فرهنگ بیگانه توانست مقاومت بکند؛ و این موضوع به معنی این نیست که ما برعلیه تبلیغاتی که در طول حکومت پنجاه سال رژیم منحوس گذشته برفکر و کار روستائی و عشایر ما بوده است هجوم نبریم، که چنانچه

—————  
 ادا زهرهای اساسی را در مقابل آن فرهنگ با استفاده از شرایطی که انقلاب ایجاد نموده است در مناطق محروم بکار بگیریم گریز از اهدافی که استخبار بیش از نیم قرن آنرا دنبال می‌کرد بسیار مشکل خواهد شد لذا یکی از طرق توسعه فرهنگ و اقتصاد ضد استخباری تقویت بنیه اقتصادی روستا با استفاده از صنایع در کنار کشاورزی است، که صنایع زنجیره‌ای کشاورزی را در بسته‌بندی، تبدیل و نگهداری محصولات تولید شده و نساجی و صنایع چوب و غیره تعریف می‌کنیم.

**\* روی آوردن به این بخش از صنایع نیازمند یک نوع نگرش منطقه‌ای است، یعنی نوع صنعت تحت پوشش صنایع زنجیره‌ای را باید بنابر نوع منطقه بلحاظ جغرافیائی و چگونگی تولید محصولات کشاورزی و آداب و رسوم مناطق گوناگون در نظر گرفت که این موضوع در درازمدت بسیار اساسی خواهد بود.**



قبل از اینکه وارد اصل موضوع شویم ضروری بنظر می‌رسد که از اصل حرکت و رشد و چگونگی نوع این صنایع بررسی کوتاهی داشته باشیم لذا ارزیابی نوع صنایع در این بخش بلحاظ سودی که دارند و اثری که بطور مستقیم و غیر مستقیم می‌توانند در خط تولید کشاورزی ما داشته باشند بسیار حساس و اساسی است و بر این مبنا برای هر رشته صنعتی که در اینجا بررسی می‌گردد لازم است در ابتدا ارزش و جایگاه آن در رابطه با استقلال و خودکفائی و عدم نیاز به بیگانه و تأمین مایحتاج عمومی و ضروری کشور در نظر گرفته شود تا اینکه بدنبال صنعتی در یک منطقه نباشیم که بخش عمده‌ای از وسایل آن از خارج از کشور تأمین گردد و سپس تولیدات آن مازاد بر احتیاج در داخل بوده و ما را ملزم به صدور غیر صرفه آن کند در حالیکه ما نیازمند به نوع دیگری از محصول می‌باشیم که چنانچه خط تولید کشاورزی در آن منطقه عوض شود هم وابستگی کمتری بوجود آید هم اینکه بخشی از نیازمندیهای داخلی را برطرف نماید لذا ارزیابی کلی از نوع این صنایع برای شروع در هر بخش بسیار ضروری است.

مورد دیگری که در این رابطه طرح می‌گردد چگونگی و شیوه سرمایه‌گذاری در این بخش از صنایع است بدین معنی که اگر چنانچه قرار باشد این صنایع بتوسط اهالی شهرها که همواره با مصرف زیاد بدنبال سود بیشتر بدهند تولید هستند باشد جهت منفی در اقتصاد روستا خواهد داشت زیرا که درست است که در مناطق روستائی اشتغال ایجاد می‌کند اما سود ناشی از آن را که می‌تواند زیاد هم باشد به شهرها سرازیر می‌کند و این همان افزایش فریبندگی شهرها است که چنانچه سرمایه‌گذاری در این بخش از صنایع بواسطه خود کشاورزان و حمایت دولت تحت پوشش یک تعاونی تولیدی صورت گیرد ضمن اینکه اشتغال ایجاد می‌نماید، سود ناشی از آنرا نیز به سمت روستا و روستائی و عشایر می‌کشاند و این به تشکیل و توسعه یک نظام اقتصادی مبتنی بر استقلال و خودکفائی و رفع محرومیت و مبارزه با سیستم اختاپوسی اقتصادی استخبار جهانی بسیاری کمک خواهد نمود، که مسلماً در این راستا شکل مدیریت نیز با استفاده از نوع سرمایه‌گذاری تعیین خواهد شد و نیروها و استعدادها را مساعد در روستا را در هدایت صنایع بکار خواهد گرفت.

مطلب دیگری که لازم بتذکر است بروی آوردن به این بخش از صنایع نیازمند به یک نوع نگرش منطقه‌ای است یعنی هر نوع صنعت تحت پوشش صنایع زنجیره‌ای را باید بنابر نوع منطقه بلحاظ جغرافیائی و چگونگی



تولید محصولات کشاورزی و فرهنگ و آداب و رسوم مناطق گوناگون در نظر گرفت که این موضوع در دراز مدت بسیار اساسی خواهد بود که چنانچه

شرایط آنرا صحیح تشخیص دهیم قادر خواهیم بود از این بخش اقتصادی جهت گیریهای اجتماعی در جهت رفاه عمومی و اشاعه فرهنگ اسلامی بسیار سود جست.

اما آنچه‌ی که بسیار حساس و در عین حال نیاز به برنامه‌ریزی اصولی دارد فراهم نمودن یک بازار خوب داخلی خواهد بود که نیازمند به ایجاد یک شبکه صحیح و سازمان یافته توزیع در سراسر کشور که تا اقصی نقاط مملکت بتواند تولیدات را برساند، می‌باشد. و این شبکه توزیع نقش خیلی مهمی را در رشد و پافول یک حرکت اقتصادی در روستا خواهد داشت. البته در کنار این نظام توزیع داخلی در صورتیکه مقرون به صرفه باشد ایجاد یک بازار خارجی برای صادرات کشور نیز فواید فراوانی خواهد داشت.

بسیار منطقی می‌باشد که ما بدنبال ایجاد صنایع ابزارسازی مورد نیاز این بخش از صنعت در کشور باشیم که کیفیت و کمیت ابزارآلات مورد نیاز این بخش از صنایع از پیچیدگی کمتری برخوردار است و فقط یک برنامه‌ریزی دقیق را می‌طلبد تا بتواند با استفاده از امکانات موجود و حداکثر نیازهای این بخش از صنایع را بر طرف سازد که انشالله در آتی نیز این موضوع بررسی خواهد شد.

#### ۱- صنایع بسته‌بندی

البته آنچه‌ی که در بخشهای مختلف صنایع زنجیره‌ای نیاز به عنایت خاص دارد این است که، این بخشهای اقتصادی هر کدام به نوعی با کیفیتهای خاصی از گذشته مورد بهره‌برداری قرار داشته است، لذا تکیه بر شکل سنتی این بخشها با استفاده از شیوه‌های بهداشتی نیز به احیای آن در کوتاهترین زمان ممکن بسیار مقرون به صرفه می‌باشد.

صنایع چای خشک‌کنی که به تناسب نیاز این گیاه در مناطق مخصوص کشت چای از گذشته ایجاد شده شکل تکامل یافته آن شیوه‌های قدیمی است که اثرات بسیار زیادی در اقتصاد منطقه و کشور داشته است. همچنین شکل بسته‌بندی محصولات باغات از نوع سیب، پرتقال و غیره نیز در مناطق مربوطه اشتفالهائی را ایجاد نموده است، و همچنین ترتیب بسته‌بندی کردن خرما نیز در تولید و بنیه اقتصادی روستائیان اثر گذاشته است و در مناطقی که انگور کشت می‌شود صنایع سنتی تهیه و بسته‌بندی کشمش نیز موثر واقع شده است یعنی در حقیقت به هر

منطقه‌ای رجوع شود نوعی از بسته‌بندی کالا را متناسب محصولات کشاورزی مشاهده می‌کنیم که این شکل ایده‌آل یک اقتصاد شکوفا نیست. چنانچه ابتدا بر همین طرز بسته‌بندی محصولات تکیه و شیوه بهداشتی نیز بکار گرفته شود و مورد حمایت قرار گیرد، امید به احیاء صنایع بسته‌بندی، واهی نخواهد بود که پس از گذشت دوره‌های مناسب با استفاده از سرمایه‌های کوچک کشاورزان، مجموعه‌های صنعتی منطقه‌ای این بخش از صنایع با بهره‌گیری از ماشین‌آلات و ابزارهای ساده و ارزان قیمت می‌تواند اثرات تعیین کننده در جهت گیریهای اجتماعی و اقتصادی منطقه داشته باشد، و همانگونه که ذکر شد توجه به صنایع روستائی در حال حاضر، نیازمند توجه به تبعات اینگونه صنایع نیز می‌باشد که ایجاد یک شبکه هدایت شده

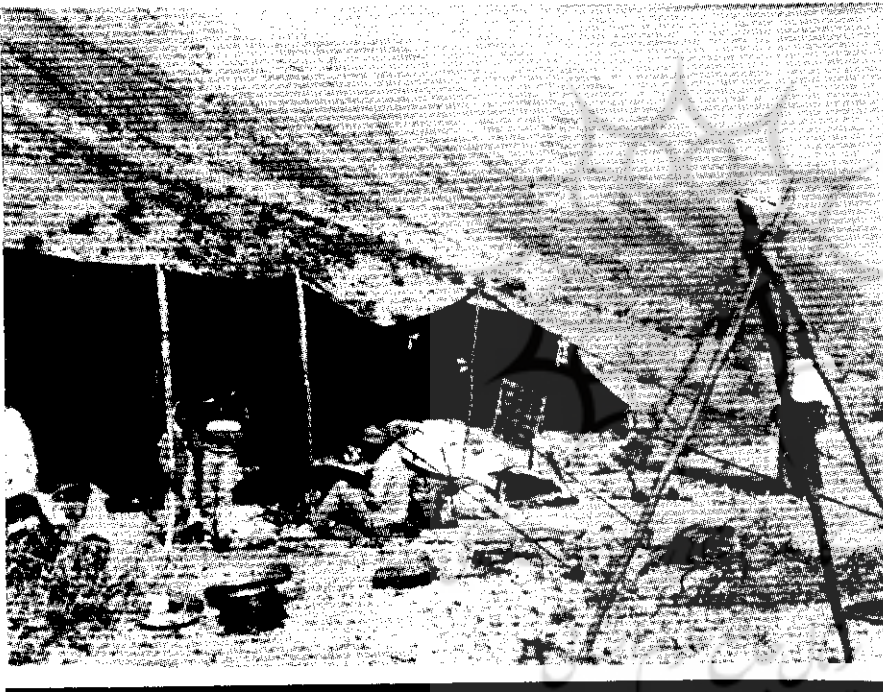
دارد و کنار گاههای پلاستیک‌سازی و کارتن‌سازی و غیره که در هر منطقه مورد لزوم می‌باشد و شرط توجه به روستا، تقسیم این کارگاهها در تمام مناطق مورد لزوم می‌باشد.

#### ۲- صنایع تبدیلی

تعریفی که برای این بخش از صنایع زنجیره‌ای می‌توان داشت اینست که هر نوع صنعت و یا حرفه‌ای که محصول کشاورز و دامدار را تبدیل به یکی از مشتقات خود کند و متضمن حفظ و نگهداری محصول نیز شود و در عین حال از یک محصول تعداد زیادی کالای مورد نیاز مصرفی را تهیه نماید، که در دو بخش صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی و تولیدات دامی و لبنی قرار می‌گیرد.

#### الف- صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی

این بخش از صنایع زنجیره‌ای در روستا بعلت گستردگی کشاورزی در تمام کشور و



تنوع آب و هوا و بسیاری از عوامل دیگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، یعنی با احیاء و تقویت این بخش، ضمن کمک به روستائیان، از تمرکز جلوگیری می‌شود، همچنین ضمن تقویت اقتصاد مملکت و تولید ملی، به توزیع عادلانه‌تر درآمد ملی کمک خواهد کرد و می‌تواند گام بسیار اساسی برای ایصال به استقلال و خودکفائی باشد.

صنایع کشور در این بخش رشد اساسی در مقایسه با کشورهای پیشرفته در بخش کشاورزی و صنعت را نداشته است. بنابراین توجه به این بخش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

صنایعی همچون قند و شکر، روغن‌کشی، کمپوت‌سازی، آبمیوه‌گیری، رب‌گوجه‌فرنگی و

توزیع سراسری داخلی و در مورد لوازم خارجی از ملزومات تقویت صنایع بسته‌بندی می‌باشد که در این بستر سازمانی نیز می‌تواند در خارج از کشور بازاریابی نموده و ضمن ایجاد بازار فروش در بساا بردن کیفیت محصول و نوع بسته‌بندی شده با بهره‌گرفتن از تجربیات تولید کنندگان خارجی، برای رقابت بیشتر و بهتر، به رشد و توسعه اقتصاد کشور کمک نماید.

موضوع دیگری که شایان توجه در تمام بخشهای صنایع زنجیره‌ای است این است که لزوم وجود این کارگاهها، ایجاد کارگاههای مختلف و تکمیلی دیگر در منطقه، می‌باشد. بعنوان مثال کنار گاههای چوب‌بری و جعبه‌سازی در مناطقی که مواد اولیه وجود



## \* به هنگام مسافرت‌های بین روستائیان بطور عمده اتوبوسهای مسافربری فرسوده بود که مراکز آنها نیز در شهرها مستقر بود که من حیث المجموع کلیه امکانات قابل حساب این بخش چه وسائلی که در تملک دولتی قرار داشت و چه امکانات بخش خصوصی در شهرها گرد آمده بود و اعتبارات این بخش نیز تماماً از مصرف شهری برخوردار بود.

بطور کلی مسدود بوده و امکان حرکت و سائل نقلیه گرفته می‌شد و روستائیان مناطق سردسیر چند ماه از سال را مجبور به ماندن در روستای خود بودند.

به هنگام مسافرت‌های بین شهری نیز، وسیله مورد استفاده روستائیان بطور عمده اتوبوسهای مسافربری فرسوده بود که برخی در صورت توان از اتوبوسهای لوکس‌تر و راحت‌تر استفاده می‌کردند و در بسیاری از شهرها نیز شرکت‌های اتوبوس‌رانی و مسافربری معتبر رساندن خدمت به شهرسینان را بعهده داشتند همچون شرکت‌های ایران‌پیمان، تی‌بی‌تی، و لوان‌تور و برخی دیگر از شرکت‌ها که از امکانات کمتر و خدمات اندک‌تر برخوردار بودند از جمله اتوبوس‌ها، شمس‌العماره، اتوبوس‌های ... عمدتاً مورد استفاده روستائیان بودند که البته این امر بعنوان یک عرف در همه موارد مصداق نداشت.

علاوه بر خدمات حمل‌ونقل عمومی که مشخصاً در شهرها تمرکز داشت، همه ساله مبالغ بسیاری توسط شهرداریها و یا ادارات ترابری و وزارت راه به مصرف اسفالت و یا مرمت خیابانها و کوچه‌های شهری می‌رسید درحالیکه خاک و سنگ همچنان بعنوان پوشش اصلی جاده‌های روستائی به حساب می‌آمد.

من حیث المجموع کلیه امکانات قابل حساب این بخش چه وسایلی که در تملک دولتی قرار داشت و چه امکانات بخش خصوصی، در شهرها گرد آمده بود و اعتبارات این بخش نیز تماماً از مصرف شهری برخوردار بود.



خواهد داشت، همچنین شیوه زندگی دامداران کشور نیز در شکل‌گیری این بخش از صنایع قابل توجه است. در کشور ما عشایر نقش بسیار عمده‌ای در تولیدات محصولات دامی داشته و دارند و عشایر نیمه کوچ رو و متمرکز نیز بجای خود بخش مهمی از نیازهای فرآورده‌های دامی کشور را برطرف می‌سازند. که در ایجاد و تمرکز و یا عدم تمرکز این صنایع حائز اهمیت خواهد بود.

اما ایجاد یک شبکه قوی آموزش و بهداشت فردی و محیط و دام می‌تواند نقش عمده‌ای در افزایش تولید داشته باشد و آموزش برای تبدیل شیر به مشتقاتی که مدت زمان بیشتری ممکن است مقاومت کند از موارد اصولی و مهم می‌باشد که رشد ایده‌آل موارد فوق، ایجاد یک شبکه راه مواصلاتی و سازمان یافتن وسائل حمل و نقل مربوطه است که بتواند در کوتاهترین زمان ممکن محصولات تولید شده را به مراکز صنعتی و تبدیلی برساند. لذا از راه بعنوان زنگ حیاتی این بخش از صنایع باید نام برد. البته در این رابطه نیاز به یک شبکه توزیع قوی داخلی است که چنانچه موفق شویم با توجه به تعداد بسیار زیاد دامی که در کشور موجود است برخی محصولات را نیز می‌توان به خارج صادر نمود که در این رابطه کشورهای موفق در طرح و برنامه‌ریزی این بخش بسیار زیادند که نه تنها از صنایع پیشرفته و تکنیک جدید استفاده نکرده‌اند بلکه با همان شیوه‌های سنتی تحت یک برنامه‌ریزی توانسته‌اند تولیدات خود را به حد صادرات برسانند.

تقویت صناعی که به تبع این بخش از صنایع در کنار آنها احتیاج است از جمله شیشه‌سازی، پاکت‌سازی، آلومینیوم‌سازی و غیره است. در قسمت دیگری از تولیدات دامی می‌توان صنایع چرم‌سازی و غیره رایج‌آوری کرد که شکل‌های سنتی آن در کشور ما فراهم است اما بعلمت عدم توجه به این بخش از صنایع مقدار بسیار زیادی از اینگونه تولیدات دامی بصورت مواد اولیه به خارج از کشور صادر می‌شود که چنانچه آنرا بتوان بصورت کالای مصرفی درآورد ضمن ایجاد اشتغال در کشور با چندین برابر قیمت فعلی نیز می‌توان صادر کرد.

البته بررسی این مجموعه صنایع زنجیره‌ای در کشور به اینجا ختم نخواهد شد، صناعی همچون صنعت نگهداری محصولات کشاورزی و دامی و انبارداری و نساجی و صنایع چوب در بعضی از مناطق مساعد تولید چوب کشور و غیره نیز در آتیه مورد بررسی قرار خواهد گرفت انشاءالله.

(... ادامه دارد)

غیره و انواع بسیار زیادی از اینگونه صنایع در کشور وجود داشته و قابل گسترش و توسعه می‌باشد و یا ظرفیت و قابلیت ایجاد آنها نیز فراهم است. اما بعلمت پیچیدگی تکنیکی بیشتری که نوعاً این بخش دارد نیازمند سرمایه‌گذاری قویتر است و این از مهمترین مسائل مطروحه می‌باشد که البته در بخشی که سوددهی کمتری دارد بخشهای خصوصی تمایل کلی به ایجاد آن ندارند، و در حال حاضر تحت مدیریت دولت فعالیت می‌کنند اما بخشهای دیگر که هم سود فراوانتر و هم سرمایه‌گذاری در آن در زمان کوتاهتری به سوددهی می‌رسد بخش خصوصی گرایش زیادی به سرمایه‌گذاری بطور اختصاصی در آن را دارد که در این رابطه لازم است به اصل عدم تمرکز و رفع محرومیت عنایتی داشته و در حقیقت با ارشاد و هدایت دولت امکانات سرمایه‌گذاری مردم را در شکل تعاونیهای تولیدی نبیند.

بزرگ که از تولید انبوه نیز بهره‌گیری نماید فراهم شود که اگر اشتغالی نیز ایجاد می‌شود همان نیروهای روستائی و رها شده از بخش کشاورزی باشد، در ضمن سودی که ناشی از شکل و ماهیت صنعت و تولید انبوه است به جیب روستائی رود و شدیداً ضروری بنظر می‌رسد که از سرمایه‌گذاری کسانی که در شهرها به زندگی مصرفی عادت کرده‌اند باید احراز نمود تا درآمدی که در این بخش بدست می‌آید در همان مناطق روستائی خرج شود تا امکانات تولید بیشتر را در مناطق محروم فراهم نماید. که در این رابطه مشکل مدیریت نیز بسیار حساس و قابل ذکر است بنحاظ فرهنگ خاص مناطق مختلف روستائی و شکل پیچیده این بخش از صنایع مدیریت این بخش مستلزم دقت بیشتری است تا این حرکت اقتصادی نتایج معکوس بیار نیارد که ایجاد شبکه توزیع داخلی سراسری و بازاریابی خارجی نیز در این بخش بسیار ضروری است. خصوصاً این که در اینجا تکنیک وارد معرکه شده و تولید انبوه خواهد بود و نیاز به بازار خارجی نیز دارد و به تبعات آن صنایع وابسته به این صنعت از نوع قسوطی سازی، جعبه آلومینیوم سازی و غیره در این مناطق لازم است بکار گرفته شود.

ب- صنایع تبدیلی محصولات دامی در این بخش از صنایع زنجیره‌ای زمان نقش حساسی دارد و گذشته از آن کیفیت صنایع، آموزش، بهداشت، بازار، شبکه راههای مواصلاتی و صنایع تکمیلی این صنعت بسیار حائز اهمیت است.

شکل تبدیل شیر به مشتقاتش که تاکنون بصورت سنتی انجام می‌گرفته است مبنای توجهی خواهد بود که با ورود بهداشت فردی و بهداشت محیط اثرات قابل ملاحظه‌ای